فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی
دوره ۱۰، شماره ۳، شماره پیاپی (۳۸)، پاییز ۱۴۰۰، ص ۵۳ ـ ۳۵

مقاله پژوهشی

دولت مجازی در جمهوری اسلامی ایران و ارتقای مشروعیت و کارآمدی سیاسی

محمد سجاد شیرودی[۱]، علیرضا صدرا[۲]، حمیدرضا ملک محمدی[۳]، سید رضا موسوی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵

چکیده: مقاله حاضر، دولت مجازی را فراتر از دولت الکترونیک یا دولت هوشمند می‌داند و از سوی دیگر، آن را فراتر از حکمرانی خوب یا دولت مطلوب، برمی‌شمارد، با این وصف، این مقاله، درصدد مقایسه آن‌ها به منظور برجسته کردن دولت مجازی، نیست از آن رو که چنین مقایسه‌ای، تعریف نویسندگان را از دولت مجازی که آن را ترکیبی از دولت های مذکور با اصول انسانی اخلاقی(دینی) و خصایصی چون فرامرزی بودن دولت، نفی حاکمیت بیگانگان و تاکید بر عنصر ایرانی اسلامی می‌دانند، تبیین نمی کند! علاوه بر ویژگی های مذکور، دولت مجازی با پذیرشِ اجزاء برجسته دولت الکترونیک و حکمرانی خوب، بر اصول انسانی اخلاقی در دولتی که آن را دولت مجازی در قواره جمهوری اسلامی می‌داند، به مثابه تبیینی بومی دینی از آن، تأکید می‌کند.

واژگان اصلی: دولت مجازی، جمهوری اسلامی، بومی- دینی، دولت الکترونیک، حکمرانی خوب.

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی پردیس بین المللی ارس دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. دانشیار علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (عضو هیأت علمی مدعو پردیس بین المللی ارس دانشگاه تهران)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) sadra@ut.ac.ir
۳. استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (عضو هیأت علمی مدعو پردیس بین المللی ارس دانشگاه تهران)، تهران، ایران
۴. استادیار علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (عضو هیأت علمی مدعو پردیس بین المللی ارس دانشگاه تهران)، تهران، ایران

مقدمه

دولت الکترونیک، دولت هوشمند، حکمرانی خوب و دولت خوب، چهار مفهوم نزدیک به هم اند که عدم تبیین حدود و ثغور مفهومی آن ها، موجب خلط معنایی آن با دولت مجازی خواهد شد، از این رو، به عرضه ی تعریف از آن ها، می پردازیم:

۱. پورتال شورای عالی فضای مجازی در مقاله" دولت الکترونیکی" پس از بررسی اهم تعاریفی که در باره دولت الکترونیک یا الکترونیک(electronic government) ارائه شده به یک جمع بندی درباره تعریف از آن، دست یافته که عبارت است از " کاربرد فضای مجازی و تغییر ساختار و عملیات داخلی و خارجی دولت به منظور امکان تبادلات الکترونیکی مابین بخش های مختلف دولت، مردم ... و ارائه خدمات عمومی یکپارچه و با کیفیت به شهروندان، کسب و کارها و صنعت، افزایش میزان دسترس پذیری شهروندان به خدمات، توانمندسازی شهروندان از طریق دسترسی به اطلاعات و به تبع آن، افزایش اختیار مردم، مشارکت مردم، تقویت دانشِ جامعه، افزایش ابتکارات نوین، بهبود کارایی و اثربخشی دولت و افزایش میزان پاسخگویی دولت به شهروندان است." (شورای عالی مجازی،۱۳۹۶: majazi.ir)

۲. همانند دولت الکترونیک یا الکترونیکی، تعریف دقیق و مورد اجماع از دولت هوشمند (smart government) اجزاء و ابعاد آن، وجود ندارد که بخشی از آن، به نو بودن دولت هوشمند به عنوان نسل جدید دولت الکترونیک یا الکترونیکی، برمی گردد، اما آقای تقوا و همکاران در مقاله" مدلی برای دولت هوشمند؛ تبیین ابعاد دولت هوشمند با استفاده از روش فراترکیب" با اشاره به مطالعه گارسیا و همکاران، از میان جمیع تعاریف ارائه شده دولت هوشمند و دسته بندی کردن آن در چهار بخشِ تعاریف معطوف به: ۱. ماهیت و پیچیدگی دولت؛ ۲. باز بودن فرآیندها و داده ها؛ ۳. ارائه خدمات هوشمندتر؛ ۴. مطالعات موردی دولت و شهر هوشمند، بر تعریفی که گارسیا و همکاران از دولت هوشمند، ارائه کرده اند که عبارت است از ترکیبی خلاقانه از فن آوری های در حال ظهور و نوآوری در بخش دولتی،تاکید می کنند.(تقوا،تقوی فرد،معینی و زین الدینی، ۱۳۹۶: ۱۴۵)

۳. حکمرانی خوب(good governance) نگاهی نو، یا نوع جدیدی از حکومت کردن است که در اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی برای تاثیر گذاری بر عملکرد اقتصادی کشورها در چند ویژگی مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، وفاق عمومی، حقوق مساوی یا عدالت، اثربخشی و کارآیی و مسئولیت پذیری مطرح کرد، اما، به سرعت این ایده، به حوزه سیاست تعمیم

یافت و تغییراتی نه چندان اساسی، در این ویژگی ها، از جمله ثبات سیاسی و کنترل فساد، اتفاق افتاد. (صباغ کرمانی و باسخا، ۱۳۸۸: ۱۱۹) اگر حکمرانی بد را با مشخصاتی چون: شخصی نمودن قدرت، فقدان حقوق بشر، فساد نهادینه شده بومی، غیرپاسخگو و غیرمنتخبِ مترادف بدانیم، حکمرانی خوب" کوششی است در جهت حاکمیت قانون ، شفافیت، مسئولیت پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری" (دباف و نظری، ۱۳۸۸: ۱۲)

۴. رکابیان و لکزایی، دولت مطلوب را دولتی دانسته اند که دولت ارگانیک و مکانیک است و به لحاظ ساختاری، نظارتی و تعاملی است و از ویژگی‌هایی چون: تجویزی و تبیینی برخوردار است اما این تعریف، با مقصود ما در این مقاله، فاصله دارد. اصولا دولت مطلوب، مفهومی دینی یا ایدئولوژیک دارد در حالی که مقصود ما در تعریف از دولت مطلوب، دولت خوب(good gaverment) است. (رکابیان و لکزایی، ۱۳۹۵: ۱۳۰) دولت خوب را اغلب به معنای حکمرانی خوب به کار می برند اما، حکمرانی، فراتر از دولت است از آن رو که همه نهادهای جامعه در قوه مجریه، به مثابه دولت، خلاصه نمی شوند و سایر نهادها نیز، در روند اداره یک کشور، سهیم اند، از این رو، دولت خوب، شرط لازم برای حکمرانی خوب است.(مدنی بجستانی، ۱۳۹۵: jahanvatani.ir)

دولت الکترونیک، دولت هوشمند، حکمرانی خوب و دولت مطلوب علی رغم شباهت ها، تفاوت های قابل توجه ای با دولت مجازی دارند که پس از این،بدان می پردازیم:

دولت مجازی به مثابه مفهوم و چارچوب نظری:

ایده دولت مجازی، به ریچارد رزکرانس(Richard Rosecrance) متولد ۱۳۹۰ آمریکا، تعلق دارد، او در کتابِ پیدایش دولت مجازی؛ ثروت و قدرت در آینده، از دولت مجازی، سخن گفته است. پرداختن به کلیاتی از آنچه رزکرانس در این زمینه، گفته است، هم تعریف از دولت مجازی را شفاف تر می کند و هم آن را، در قالب چارچوب نظری برای این مقاله، تبیین می نماید.

رزکرانس در دولت مجازی، درصدد پیوند زدن اقتصاد و ارتباطات است، اقتصاد و ارتباطات، در قلمرو علایق و تخصص وی قرار دارد. او در دولت مجازی، در پی دستیابی و ارائه به شیوه ها و مبانی تحول در زندگی خصومت آمیزِ امروز جامعه جهانی است لذا، با پذیرش مرزهای سرزمینی و پیدایش دولت ها در قلمروهای مرزی مشخص و معین، آن را به مثابه یک بازیگر بین المللی، ترسیم می کند که

دارای تأثیرات جهانی است.وی در نظریه دولت مجازی، ضمن تأیید وقوع تغییر در ماهیت دولت ها، تصویری تازه از نقش آن، در روابط بین المللی ارائه می کند، رزکرانس در دهه ۱۹۹۰ وقوع چنین تغییری را در سطحی از جهان، تشخیص داد و سرایت آن در دیگر مناطق جهان را در آینده نه چندان دور، پیش بینی کرده است.(سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۵) دولت مجازی، نوع جدیدی از دولت را ترسیم می کند که توسعه آن، حاصل اجتناب ناپذیر و رویه رو به رشد فضای مجازی است یا می توان آن را نتیجه ترکیب افزایش حیرت آور فناوری ارتباطات و اطلاعات و اهمیت یافتن اقتصاد و تجارت در عرصه بین المللی و فراتر رفتن دایره فعالیت های مالی- اقتصادی و اطلاعات - تکنولوژیک از مرزهای ملی و منطقه ای دانست، از این رو، دولت مجازی را باید دولتی دانست که حوزه تلاش های تجاری- اقتصادی را به همه جهان توسعه می دهد و اگر نبود، فضای مجازی به مفهوم کلان، دولت جدیدی به نام دولت مجازی، شکل نمی گرفت البته، دولت مجازی، تفاوت ماهوی با دولت مدرن ندارد، بلکه، به ابزاری جهت کارآمدسازی دولت مدرن تبدیل می شود. در واقع، دولت مجازی موجود تازه و واقعیت انکارناپذیری است که نخست در کشورهای توسعه یافته، ظاهر شده است اما در حال گسترش به همه جهان است، دولت مجازی با حفظ کنشگری دولت به مثابه مهم ترین کنشگر فعلی، تنها بر تغییری که در ماهیت و نوع فعالیت دولت اتفاق می افتد،تاکید می کند.(همان)

در دنیای جدیدی که به پیش بینی رزکرانس، دولت مجازی دال مرکزی آن را، تشکیل می دهد، از خطر منازعه، کاسته می شود و امکانات بیشتری برای همکاری و همزیستی، فراهم می آید و با عنایت به محوریت اقتصاد در آن، نوعی دموکراسی اقتصادی بر بستر ارتباطات، شکل می گیرد که در آن، مناقشه بر سر سلطه سیاسی و مرز، جای خود را به تلاش برای کسب تولید و بازار فروش بیشتر، خواهد داد، لذا، دولت مجازی به ابزار نیرومندی برای فائق آمدن بر نارضایتی کارکنان دولتی و کارگران خصوصی، تبدیل می شود به آن دلیل که با توسعه سرمایه گذاری داخلی و کسبِ بیشتر سرمایه های خارجی، در حفظ تورم پایین، افزایش تولید، تقویت پول ملی و ارتقای فنی نیروی کار و آموزش دیده، موفق عمل خواهد کرد.(رزکرانس، ۱۳۸۸: ۴۲-۳۹) دولت مجازی فراتر از کشاورزی سنتی محدود و محصور در درون مرزها، عمل می کند، لذا، کشورهای در حال توسعه ناچارند، رویه تولید کالای حاصل از زمین را فدای سرمایه سیار، اطلاعات سیال و در لحظه، آنلاین نمایند. در این صورت، دولت مجازی، یک واحد سیاسی نه یک کشورِ است که سرزمینش را بر مبنای ظرفیت تولید، کوچک نموده و بازار جهانی را به کسبِ سرزمین، ترجیح می دهد که به جای ماشین و

سرمایه مادی، مبتنی بر آموزش و سرمایه انسانی است. (Rosecrance,1999:3) در دولت مجازی، دولت دیگر مثل گذشته، حاکم بر منابع نیست و به جای آن، تلاش دارد سرمایه و نیروی کار خارجی و داخلی را برای ورود به فضای اقتصادی خود، تشویق کند. دولت مجازی به این دلیل به تولید در خارج اقدام می کند که بتواند در داخل به سطح بالاتری از خدمات از قبیل تحقیق و توسعه، تولید و طراحی، مسائل مالی، بازاریابی و حمل ونقل، دست یابد.منطق اقتصادی این دولت، افزایش بهره جویی از طریق کوچک کردن مولدها است.(Rosecrance,1996:18) روند شکل گیری دولت مجازی به دلیل رویکرد شرکتی و تجاری، نشان از فضای توأم با صلح را گواهی می دهد، البته، ممکن است، دولت مجازی، نتواند مشکلات داخلی کشورها را به کلی حل کند، اما قراردادهای اقتصادی که این دولت ها با سایر دولت ها، می بندند، به حل آسان تر مسائل داخلی آنان، کمک خواهد کرد. (رز کرانس، ۱۳۸۸: ۳۹-۳۶) دولت مجازی، از ویژگی گذار از تولید انبوه به تولید انعطاف پذیر یا از فوردیسم به پست فوردیسم، برخوردار می شود.(کانر، ۵۶:۱۳۸۰) در دوران پسافوردیسم، بازارها در سراسر جهان، متنوع تر و مهار آنها، دشوارتر شد و هنگامی که آهنگ تحول تکنولوژیک، تجهیزات تولید تک منظوره را از دور، خارج کند، نظام تولید انبوه چنان انعطاف ناپذیر و پر هزینه خواهد شد که دیگر با ویژگی های اقتصاد نوین و عرصه رقابت بین المللی، سازگار نخواهد بود، اینجا است که سروکله دولت مجازی پیدا می شود. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۹۸) دولت مجازی در رقابت اقتصادی بین المللی، سرمایه انسانی را ابزاری می داند که به وسیله آن، خود را از محدودیت های جغرافیایی رها ساخته و به واسطه آموزش مناسب، قادر به تغییر آینده اقتصادی و صنعتی خود، می شود. (رز کرانس، ۱۳۸۸: ۳۳) از آنجا که تحول در ساختار با تحول در کارگزار و یا نگرش، همراه است، شکل گیری دولت مجازی منوط به حضور نخبگان و حاملان انقلاب اطلاعاتی و یا عاملان توسعه اقتصادِ مبتنی بر دانش به مثابه بازیگران نرم افزاری جدید است.(یعقوبی، ۱۳۸۶: ۲)در فضای فرهنگی دولت مجازی که متکی بر واقعیت های مجازی است، بازیگران سیاسی به منظور حضور در صحنه و تاثیرگذاری بر روند تحولات، ناگزیرند از رسانه های حامل نمادهای الکترونیک، به خصوص تلویزیون، به صورت تمام عیار، بهره برداری کنند.(کاستلز، ۱۷:۱۳۸۰) از دیگر مؤلفه های دولت مجازی، ماهیت شبکه سازی و مدیریت منابع متحرک و سیالِ قدرت است، وظیفه دولت مجازی در این راستا، عبارت است از مدیریت و هدایت منابع قدرت جهانی، تشویق و تحریض و هماهنگی فعالیت ها، تدوین استراتژی اقتصادی نه در منابع سنتی، مانند صنعت و معدن و کشاورزی،

بلکه در زمینه هایی چون خدمات پژوهشی و فنی و تعلیم نیروی کار خلاق، کارآفرین و کارآمد(سریع القلم، ۱۳۸۱: ۶)

رویکردهای بومی و غیربومی حاکم بر نظریه دولت مجازی:

ما قصد نداریم که همه آنچه را که رزکرانس از دولت مجازی، گفته است را بپذیریم و همه آن را بر جامعه امروز و فردای ایران، معادل سازی یا تحمیل، کنیم. دلایل زیادی، برای توجیه منطقی این اقدام، قابل اقامه است که تنها به سه مورد آن، می پردازیم و آن ها را به این دلیل، رویکرد بومی- دینی و غیربومی، می نامیم که از یک سو، بر همه فضای تلاش ما برای بومی سازی دولت مجازی، سایه می افکند و از سوی دیگر، این رویکردها، هم در دو دولت مجازی غربی و اسلامی، وجود دارد و هم، جدالی بین آن دو، برای بقا و بسط، پدید آمده است:

۱. خصیصه فرامرزی:

همانگونه که اشاره شد دولت مجازی ،نظریه ای است که رزکرانس آن را برای جوامع غربی، پیش بینی کرده است، از آن رو که شکل گیری این دولت، بر دو پایه پیشرفت های اقتصادی و ارتباطی از یک سو و خلاقیت در سازماندهی بازارها با استفاده از تغییرات سریع تکنولوژی جهت تأمین نیاز مشتریان و خلق ثروت از سوی دیگر استوار است که حجم زیادی از آن دو، در غرب وجود دارد اما همان گونه که رزکرانس، پیش بینی کرده دولت مجازی همانند هر دولت مدرن دیگری و به دلایل زیادی چون نیاز به بازار مصرف، مواد اولیه، کارگر ارزان و با عنایت به سرشت نرم افزاری، به شکل پلکانی و مرحله ای به دیگر کشورهای جهان، گسترش می یابد یا صادر می شود،در واقع، در دنیای امروز هیچ چیزی در غرب اتفاق نمی افتد که بخواهد فقط در آن، باقی بماند اما دولت مجازی، صورت دیگری دارد و آن که کشوری چون کشور ما هم، به دلایل متعددی نمی تواند نسبت به چنین پدیده ای که هم بسیاری از نیازهایش را در پرتو دولت الکترونیک، برمی آورد و هم توانایی ها و پیام های اقتصادی و ارتباطی اش را به جهان منعکس می کند، بی تفاوت بماند، در نتیجه خاصیت فرامرزی دولت مجازی غرب و سرشت جهانی انقلاب اسلامی از یک سو، موجب اصطکاک آن دو، و از سوی دیگر از دو جهت فرصت جدیدی را برای ایران می آفریند: اول- خصیصه فرامرزی انقلاب اسلامی، میل به گسترش جهانی دارد و دوم- همین میل، با استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی که بخشی قهری و بخشی اختیاری است، در اختیار ایران قرار می گیرد، امکان

شکل گیری دولت مجازی ایران در دو عرصه داخل و خارج را بر بستر مؤلفه های قدرت نرم جمهوری اسلامی، خلق می کند. از دلایل شکل گیری این حادثه، آن است که چنین دولتی، نه بر نیروی نظامی بلکه بر منابع سیال قدرت از قبیل تکنولوژی، اطلاعات، پیام های عدالت خواهانه، نیروی ماهر و ... استوار است. این دولت، نشان از یک گفتمان جدید دارد که طی آن، حاکمیت، سرزمین، حکومت، استقلال، آزادی، ملیت، مشروعیت را از نو، سازماندهی کرده و با هدف، حفظ و گسترش قلمروهای کهنه استعماری غربی از یک سو و حفظ و گسترش جدید انقلابی اسلامی، با فضای جدید جهانی شدن گره خورده است.(توحیدفام، ۱۳۸۲:۲۰)

۲. نفی حاکمیت متقابل:

دولت مجازی هیچ تفاوت ماهوی با دولت لیبرال یا هر دولت مدرن دیگر ندارد، قرن ها است که غرب هدف خود را رفاه اقتصادی، قرار داده و دستیابی به آن را در گرو استعمار، دانسته است. استعمار در همه اشکال کهن، نو و فرانو، به نفی حاکمیت ملی است. دولت مجازی در فضای جایگزینی قدرت اقتصادیِ بعد جنگ جهانی دوم به جای قدرت نظامی قبل جنگ جهانی دوم، به میان آمد، تا با ابزار قدرتمند اقتصاد، مستعمره های دیروز و بازارهای مصرف امروز را حفظ کند و آن را بسط دهد، در واقع، در دولت مجازی، یک جهان وطنی، اتفاق می افتد که اجزای ملی، چون غلامان حلقه به گوش، عمل می کنند در حالی که اسلام، انقلاب و نظام، در تضاد ذاتی با هرگونه تن دادن به حاکمیت بیگانگان است. علاوه بر آن، حفظ استقلال خود را در دو زمینه داخلی و خارجی با نفی سلطه اجانب، جستجو می نماید. در بعد خارجی، بسط حاکمیت ایران به بازدارندگی آن، کمک می کند، دستیابی یا گسترش حوزه حاکمیتی ایران به میزان توانایی آن در مقابله با حاکمیت های بیگانه برمی گردد که در پرتو اقتصاد–ارتباطات تقویت می گردد. در این تکاپو، جمهوری اسلامی باید سهم بیشتری از قدرت مالی و قدرت فناوری اطلاعات را در اختیار بگیرد تا توانایی تأثیرگذاری بیشتر و تأثیرپذیری کمتری داشته باشد.(خاکی، ۱۳۸۱: ۲۴) بدین منظور، توسعه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی، سبب آسان و انبوه شدن تولید، قابلیت دسترسی به کالا و خدمات، کاهش هزینه حمل و نقل کالا و مسافر و افزایش تحرک جمعیت، سرمایه و دانش، در ایران می شود. این جهش های رو به جلو و تعامل میان شش فناوری میکروالکترونیک، رایانه، ارتباطات دوربرد، مواد مصنوعی، ساخت ربات و فناوری زیستی، اقتصادِ ایران را در مسیر یک اقتصاد دانش بنیان به حرکت در می آورد که از دو خصیصه نفی حاکمیت خارجی و ابتنای بر فرهنگ ملی، برخوردار است، جدال

حاکمیت ها در دولت مجازی، اجتناب ناپذیر، مستمر و چالش برانگیز برخوردار است.(رحمت الهی و ضیائی ۱۳۹۰: ۶۳)

۳. محوریت غربی- ایرانی:

دولت مجازی، ماهیتی غیرملی و هویتی غیردینی، دارد و از این رو، با ماهیت ایرانی- اسلامی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی مغایرت می یابد، به علاوه، دولت مجازی دارای ماهیتی تهاجمیِ یک سویه است و ارزش های غربی را از طریق به گروگان گرفتن نیازهای اقتصادی و ارتباطی مردم، چون تحریم ها و حملات سایبری، ترویج می کند. دولت مجازی در ایران، نمی تواند و نباید ادامه منطقی دولت تجاری استعماری در یک محیط امن ترِ سیاسی باشد، در واقع ایران انقلابی با دولت مجازی که معادل سیاسی شرکت ها و مؤسسات مجازی چند ملیتی هژمون شده بر جهان است، ذاتا تضاد دارد. در دولت مجازی ایرانی- اسلامی، حوزه های امنیتی- نظامی به نفع حوزه های مالی- اقتصاد، مصادره نمی شود. در فضایی که ایران در دولت مجازی، دنبال می کند، یک تجدید سازمانی- مکانی و در عین حال ماهوی، ایجاد می گردد، فضای نوینی برای کنش، پدید می آید که به حوزه سیاست نیز، کشیده می شود و می کوشد در دنیای جدیدی که دولت مجازی دال مرکزی آن را، تشکیل می دهد، از خطر منازعه، بکاهد و امکان بیشتری بر پایه ماهیت اسلام- ایران برای همکاری و همزیستی فراهم می آورد. در دولت مجازی برآمده از دنیای جدید، مناقشات بیشتر از نوع بحران های مدنی، خواهد بود که میزان خشونت و ویرانگری آنها، بسیار کمتر، است، زیرا دموکراسی اقتصادی- ارتباطی از این نوع بحران ها، می کاهد و نیز به همین دلیل، دولت مجازی جمهوری اسلامی با تکیه ایرانیت و اسلامیت به سوی فراسوی خواسته های نظامی و جدال بر سر سلطه سیاسی یعنی برخورداری از سهم بیشتر در تولید و محصولات جهانی در کنار تکیه بر عناصر فرهنگی وطنی حرکت می کند.(سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۵)

تبیین های بومی- دینی در ساختار دولت مجازی ایران:

آنچه در مبحث قبلی آمده، رویکردهایی است که بر دولت مجازی در دو مفهوم غربی و اسلامی، حاکم است و در آن، نشان دادیم انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، نمی تواند مقهور دولت مجازی رزکرانسی باشد بلکه می کوشد با اتکاء به ظرفیت های بالفعل و بالقوه قدرتِ نرم خود، در جدال با آن سهم خود را دریافت کند و در این مرحله، سهم خود را بر آن بیفزاید اما محیط

حاکم بر این جدال، شکننده و لرزان است زیرا، رویکردها صرفا از وجه نظری برخوردارند! با عبور از از این رویکردها و با ابتنای بر آن، دولت مجازی آتی در ایران را بر سه جزء دولت الکترونیک، حکمرانی خوب(مجازی)، اصول انسانی- اخلاقی(اسلامی) استوار می کنیم و آن را در یک ساختار به هم پیوسته گره زده، مورد بررسی قرار می دهیم:

۱.اصول انسانی- اخلاقی:

دولت مجازی، تنها یک دولت کشاورزی یا یک دولت اقتصادیِ صرف، نیست، همان گونه که با حکمرانی خوب یا شایسته، کاملا منطبق نیست، لذا جمهوری اسلامی در چارچوب دولت مجازی، با حفظ ماهیت کشاورزی به دلیل اهمیتش در زیست انسانی، سرمایه و نیروی انسانی بخش کشاورزی را در پیوند با اقتصاد جهانی به جریان می اندازد و به جای تکیه بر زمین در شکل سنتی اش و نیز به جای تولید کالای کشاورزی به صورت قدیمی اش، سرمایه کار سیار و نیروی کار سیار منظمِ به اصول انسانی- اخلاقی را، جایگزین آن می کند. مراد از اصول انسانی- اخلاقی، نام دیگر برای دین به مفهوم خاص، نیست اما دین به مفهوم خاص، سرشار از اصول انسانی- اخلاقی برای زیست فردی و جمعی است. در این راستا، جمهوری اسلامی، نفوذ در بازارهای منطقه ای و جهانی را بر کسب نفوذ سرزمینی، ترجیح خواهد داد و بخش اعظم تولیدات داخلی خود را با ارتقاء از سطح خدمات، وارد سطوح تولیدی قابل عرضه و رقابت در بازارهای بین المللی می کند. آنچه دولت مجازی جمهوری اسلامی را از مدل دولت مجازی رزکرانس، متمایز می کند آن است که آموزش و حفظ و بسط نیروی انسانی در چارچوب انسانی- اخلاقی را اصل غیرقابل اجتناب خود قرار می دهد. آنچه در بخش کشاورزی جمهوری اسلامی اتفاق می کند، استفاده حداکثری از دستاوردهای نوین و عجین کردن آن با نرم افزارهای الکترونیکی و ترکیب آن با چند مقوله انسانیت، عدالت و معنویت است اما در آن، خصوصی سازی، تجدید ساختار، تمرکززدایی و ماهیت ارتباطی – اطلاعاتی در پیوند با تجاری شدن و بالا رفتن سود انسانی کشاورزی، مورد توجه جدی است.(نصرهرندی، majazi.ir :۱۳۹۷) در هر صورت، نمی توان به دولت مجازی فکر کرد اما در آن، به درآمیختن تکنولوژی، دانش و سرمایه در جمیع عوامل تولید، برنامه ریزی، تحقیق، بازاریابی، اخلاق حرفه ای و تداوم سیاست های پشتیبان متکی بر انسان و انسانیت، نیندیشید.

فضای مجازی را یکسره از جنس نرم افزار، می دانند اما نرم افزار در اینجا، به تنهایی همه آن فضا را، دربرنمی گیرد. فضای مجازی در مقایسه با ابزارها و ادوات نظامی، یا ماشین الات صنعتی،

نرم افزار به شمار می آید که ماهیت آن، نرم است اما هر فضای مجازی، خود از دو قسمِ سخت افزاری مانند لپ تاپ و نرم افزاری چون برنامه های آن، برخوردار است. آنالیز برنامه ها، نشان می دهد که از لایه های نرم افزاری مختلف، ساخته می شود که برنامه، فکر و اندیشه ای که آن را خلق می کند، قطعا از ماهیت نرم افزاری بیشتری، برخوردار است. دولت الکترونیک که یکی از سه جزء قطعی دولت مجازی مورد نظر ما را در یک فضای بومی- دینی می سازد، بخشی، نرم افزاری و بخشی، سخت افزاری است. برای نشان دادن لایه های نرم افزاری دولت الکترونیک و با نگاه به آن،می توان گفت، فضای مجازی که بستر تبادلات الکترونیکی را فراهم می کند، دارای سرشت، نرم افزاری است. کیفیت مورد نظر در خدمات عمومیِ مورد نظرِ دولت الکترونیک وجه ای دیگر، از لایه های نرم افزاری دولت الکترونیک است. توانمدسازی شهروندان از طریق دسترسی به اطلاعات و افزایش اختیاری که پس از آن، روی می دهد، نباید بدان، وجه سخت افزاری، داد. به طور طبیعی،آنچه فراتر از این لایه ها، قرار می گیرد علیرغم این که در دولت الکترونیک، جریان می یابد نسبت به آنچه از لایه های نرم افزاری دولت الکترونیک، گفتیم، جنسی سخت افزاری دارد از این رو، اصول انسانی- اخلاقی حاکم بر این دو، حتی نسبت به فضای دوم، نرم افزاری تر است(لایه سوم)، زیرا از ماهیتی از جنسِ فکر و اندیشه، برخوردار است و لذا میزان خلوص این وجه نرم افزاری، بیش از وجه نرم افزاری است که در مقایسه با قطعات سخت دستگاه های الکترونیک نشان داده می شود.(پورقهرمانی، ۱۳۹۱: ۸۱) انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، دولت مجازی را همانی تفسیر می کند که در نظریه رزکرانس، وجود دارد اما آن را در اصول انسانی- اخلاقی، غوطه ور می کند و آن را در دنیای آینده، به ترکیبی از اصول انسانی- اخلاقی به مثابه واقعیت و فضای مجازی به مثابه مجاز، در می آورد و این درهم‌تنیدگی را تا حدی افزایش می دهد که تفکیک آن دو، غیرممکن خواهد شد. اگر فضای مجازی را یک زندگی انسانی به‌مثابه یک نظام اجتماعی بدانیم، اصول انسانی- اخلاقی بر شبکه، از یک سو و بر کاربران، از سوی دیگر، سایه می افکند و تمامی خرده نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را دربرمی‌گیرد به گونه ای که، سه ارزش کلیدی مشارکت، مشروعیت و کارآیی که از ارزش‌های پایه و مادر در نظام‌های اجتماعی‌اند را متأثر می کند. رزکرانس، دولت مجازی را در بستر نظام سرمایه‌داری و و در بستر اهداف مخرب آن خلق می کند و بر همان بستر به پیش می راند که در آن، کاهش ظرفیت های بومی حکمرانی دولت – ملت‌ها و کمرنگ‌شدن و حتی پایان حریم خصوصی، نمونه ای از اهداف مخرب آن است که از تغایر آن با مبانی اسلام و

آرمان‌های انقلاب اسلامی، شکی نداریم. مدل دولت مجازی بومی، کاهش این تغایر را با تسری روابط عمودی ارتباطات به نمادهای افقی و غیرمتمرکز، جستجو می کند و این به معنای، ابطال مفهوم دولت تهی، است زیرا هیچ‌کس بهتر از دولت پر(فعال)، نمی‌تواند اینترنت را ساماندهی کند به گونه ای که در آن، بر استقلال فناوری، قطع وابستگی خارجی، کمک به شرکت‌های داخلی برای تسلط در بازارهای نوظهور فضای مجازی در چارچوب های اخلاقی و مواجهه فعال انسانی، تأکید شود. ابتنای، دولت مجازی بر انسانیت و اخلاقیت، سم بیگانگی عاطفی کاربران از هم، مشغولیت به امور وقت گیرِ کم بها، ترس و اضطراب از داده های دلهره آمیز، کدورت و بدبینی های متقابل و ده ها زیان دیگر را، کاهش می دهد و آرامش و آسایشی را که دستاوردهای مدرن و مدرن تر بشر از بشر گرفته را به او بازمی گرداند. (کلانتری،۱۴۰۰: KHAMENEI.IR)

۲.دولت الکترونیک:

این دولت، بخش مهم دولت مجازی را می سازد اما در دولت الکترونیک، فضایی که اصول انسانی– اخلاقی بر آن حاکم است، سیال است، سیالیت به آن دلیل است که کمیت و کیفیت دولت الکترونیک، به سرعت در حال تغییر و رشد است. باید بدانیم دولت الکترونیک، مهم ترین راه ارائه خدماتِ امروز و فردایِ کشورمان خواهد بود که انواع خدمات چون کارت خوان ها و اپراتورها و ... را ارائه می کند. در حال حاضر، با همه پیشرفت های داخلی، در این زمینه، عقب مانده افتاده ایم در حالی که در توسعه دولت الکترونیک، به تحلیل نیازمندی ها در بالاترین سطح، طراحی های کلان و جزئی، پیاده سازی، آزمون، نگهداشت و ارزیابی بازخوردها با معیار فرهنگ بومی، نیاز داریم در این صورت، شبکه ای از سامانه ها یا شبکه ملی اطلاعات، شکل می گیرد. این سامانه ها، به شکل تدریجی و برپایه نیاز مردم و سازمان‌ها و اغلب، نشأت گرفته از حرکت بین المللی مکانیزه نمودن کارها و عمومی شدن فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، تولد و تداوم خود را در بستر فرهنگ عامه می یابد، در نتیجه، باید بدانیم برخورد اقتضائی یا وصله پینه‌ای، مخرب خواهد بود بلکه دولت الکترونیک، از توسعه نقطه به نقطه تأمین نیازهای شهروندان مسلمان، شکل می گیرد. برای زایش و بودش دولت الکترونیک، نیازی به کوبیدن شهرهای سنتی و بنا نهادن شهرهای مدرن بیگانه از آن، نیست. بی شک آن، به یک طرح جامعی نیاز دارد که تنها، شهرداری ها، مسئول طراحی، اجرا و نظارت بر آن، نخواهند بود، هرچند در چنین طرح جامعی، ارائه خدمات عمومی از قبیل بهداشت، آموزش، تفریح، آب، برق، جاده، بزرگراه، مترو ،آتش‌نشانی و خدمات اضطراری، وجود خواهد

داشت. نباید فراموش کنیم که مکانیزه نمودن خدمات که در دولت الکترونیکی روی می دهد، بر بستر فضای مجازی به مثابه زیستگاه اصلی آن، ظاهر شده اما در این فضا از نظر نویسندگان، اخلاق ذی مدخل اصلی است. (جلیلی،۱۴۰۰: tabnak.ir)

دولت الکترونیک، زیست جدیدی را برای همه ملل دنیا، رقم زده و البته با سرعت هرچه تمام تر، در حال پیش روی است، ملت و کشوری چون ما، باید با سرعت و بدون فوت وقت، مسیر توسعه خود را برپایه دولت مجازی، بیابد و بی معطلی به پیاده‌سازی بومی شده آن بپردازد، به این معنا که این توسعه به یک نقشه راهبردی شامل چشم‌اندازها، مأموریت ها، ارزش‌ها، خط مشی‌ها، راهبردها، اقدامات لازم، بودجه کافی، برنامه زمان بندی و ... نیاز دارد. به علاوه باید از حداکثر توان فناوری داخلی، استفاده نماید و از مدیریت صد درصد ایرانی و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، برخوردار شد و نیز از حداکثر سرمایه و مدیریت و منابع بخش خصوصی بهره ببرد، به داده‌های ایرانیان، به عنوان اصلی‌ترین و ارزشمندترین دارایی بنگرد. حریم خصوصی و امنیت و ایمنی کاربران فردی و سازمانی را فراهم نماید، به هنجارهای اجتماعی، فرهنگی و ارزش‌های دینی احترام بگذارد، هیچ تراکنش بدون مسئولیتی در آن، رخ ندهد، نیاز گروه‌های مختلف شغلی، سنی، نژادی، تخصصی را در ارائه خدمات، در نظر بگیرد. به فناوری‌های نوظهور به شکل فعالانه و پیش دستانه عنایت و توجه داشته باشد و به تنظیم‌گری سریع، ساده، و جمع سپارانه و نظارت مستمر، بر مقررات اهمیت دهد. از نظر اقتصادی، همه اقشار جامعه، استطاعت مالی برخورداری از آن را داشته باشند و مدیران جامعه، از اولین و اصلی‌ترین و باوفاترین کاربران آن، باشند.(جلیلی، ۱۴۰۰: tabnak.ir) آینده انقلاب اسلامی به کمیت و کیفیت ارتباطات به مثابه دال مرکزی دولت الکترونیک، گره خورده است زیرا هم به دلیل توسعه شگفت انگیزتر ارتباطات جهانی در آینده و هم به جهت ضرورت پاسخ به نیازهای روز افزون مردم خود، ناچار است به ارتباطات، عمیقا توجه نماید. در اسناد بالادستی، توجه کافی به توسعه ارتباطات شده اما همه اینها، بر روی کاغذ است مانند سازماندهی و تقویت نظام ملی اطلاع رسانی و رایانه ای به منظور صیانت از امنیت همه جانبه و ... اگر دستاوردهای ارتباطی ایران در آینده، چون گذشته باشد، کارآمدی آن را وارد مرحله بحرانی، می کند، البته مراد از ارتباطات، تنها ارتباطات الکترونیکی نیست بلکه افزایش همبستگی ملی، همدلی اجتماعی و یکرنگی عمومی به مثابه سرمایه اجتماعی آسیب دیده در جمهوری اسلامی، ایده جامعه ارتباط محور را در دولت مجازی تشکیل می دهد که اقتصاد، تنها یک رکن آن است، در این صورت، بقایای باقی مانده خصومت های اجتماعی، رنگ می بازد و راه را برای تعریف جدید از

ارتباطات در پیوند با توسعه به فرهنگ عامه، باز می کند. دولت در چنین فضایی، دچار تحول ماهوی از یک آقابالاسر به یک هماهنگ کننده مجموعه اقدامات ارتباطی برای وضع بهتر، تبدیل می گردد. در دستیابی به جامعه ارتباط محور الکترونیک، توجه عمیق به ایجاد زیرساختارهای نرم افزاری در فرهنگ عمومی، مانند گسترش سواد رسانه ای و سخت افزاری در صنایع الکترونیک چون رشد زیرساخت های فناوری و ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی، یک ضرورت است.(تولایی،۱۳۹۳: ۹۲)

دولت الکترونیک در چارچوب دولت مجازی، محللی برای بحران های مختلف شهروندی امروز و فردای نظام، است و انقلاب اسلامی که خود برای رفع بحران مشروعیت نظام شاهی برآمد و با تکیه بر پشتوانه مردمی از بحران های فراوانی عبور کرد، قادر است با کاربست نرم افزاری و همزمان دولت الکترونیک، حقوق شهروندی، رضایتمندی عمومی و سرمایه انسانی را سامان دهد. بحران ها یا مسائل کشور، براساس اعلام مرکز بررسی های مجلس شورای اسلامی، از مرز ۱۰۰ مورد گذشته است که در مقایسه به ۱۰ سال قبل، در ۱۰ سال آینده، اگر دولت مجازی، شکل نگیرد و بسط نیابد، رشد بیشتری خواهد داشت. عمل به همه حقوق شهروندی در چارچوب قانون اساسی، کمترین انتظار مردم است، بلکه، انتظار امروزین مردم، به دلیل افزایش آگاهی و انتظار ناشی از آن، متاثر از توسعه فضای ارتباط جمعی داخلی و خارجی، حتی از قانون اساسی، فراتر رفته است لذا، تنها می توان با آموزش و منطقی کردن خواسته های حقوق شهروندی و تلاش صادقانه و مستمر و بدور از جنجال های سیاسی در تأمین آن از جمله بهینه سازی دستمزدها، منطقی کردن قیمت ها، کاهش تبعیض در استخدام، افزایش صداقت در کار و سخن و ... مشروعیت سیاسی نظام در جمهوری اسلامی را تقویت کرد. (حسن پور و عشق پور، ۱۳۹۷: ۶۴)

۳.حکمرانی خوب:

یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید، حکمرانی خوب است که از دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات علوم سیاسی و توسعه اجتماعی شد. این مفهوم، به خصوص در کشورهای در حال توسعه از حیث برون رفت از بحران های چندگانه مشروعیت، هویت، مشارکت و ...از جایگاه ویژه ای برخوردار است. حکمرانی خوب بر این ایده، استوار است که با استقرار و نهادینه سازی مؤلفه های جامعه مدنی، می توان موانع توسعه یافتگی را در جهان سوم، برطرف ساخت. طبق این مفهوم، تصمیم گیری ها و سیاستگذاری های مربوط به یک کشور، با اجماع نظر شهروندان که صاحبان اصلی منافع آن کشورند، صورت می گیرد البته، برای گذار از حکومت گرایی به شهروندگرایی، به آموزش های

جدید در زمینه آشنایی و اجرای روندهای قانون گرایی، وفاق عمومی، مشارکت جمعی، شفافیت همگانی، پاسخگویی متقابل، اثربخشی و کارآیی برای مدیران و شهروندان نیاز است. در ایده حکمرانی خوب، برنامه ریزی ها و سیاستگذاری های از بالا به پایین، عمودی و آمرانه که توسط دولت مرکزی صورت می گرفت جای خود را به مدیریت مشارکتی شهروندان می دهد که در آن، حکمرانی بر مفهوم همیاری دولت سیاسی و جامعه مدنی، استوار است. در واقع، حکمرانی خوب بر این اصل اساسی تکیه دارد که دولت ها به جای آن که به تنهایی اداره جامعه را در همه سطوح، برعهده بگیرند، پذیرای بخش خصوصی و نهادهای مردمی در امر حکومت داری می شوند، در این صورت، دولت نقش تسهیل کننده و زمینه ساز توسعه جامعه در سطوح محلی و ملی است، نتیجه این که با ورود شهروندان در فرایند تصمیم گیری و سیاستگذاری، اداره کشور از نظام اقتدارگرا و آمرانه به فرایندی مردم سالارانه و مشارکتی تبدیل خواهد شد و این مفهوم کلی حکمرانی خوب است اما حکمرانی خوب در این نوشتار، به تنهایی، مدنظر نیست بلکه در ترکیب با اصول انسانی– اخلاقی و دولت الکترونیک و با رویکرد به درون مرزی– برون مرزی، نفی سطه پذیری و سلطه گری با محوریت شاکله ایرانی–اسلامی است. (نائبیان و احدی، ۱۳۹۹: ۱۵۲)

حکمرانی در جمهوری اسلامی بر مردم سالاری دینی استوار است، مردم سالاری دینی، نظریه ای است که امام خمینی(ره) ابداع و از سوی آیت الله خامنه ای، بسط داده شد. وجوه مشترک چندی بین آن و حکمرانی خوب، وجود دارد که قانون گرایی، حاکمیت مردم، رضایتمندی عمومی، وفاق همگانی، مشارکت سیاسی و ...عمده آن را، تشکیل می دهد اما این موارد، در اغلب موارد تنها شباهت های ظاهری دارند کما این که تفاوت های عمیقی بین آن ها در مواردی چون اصالت حاکمیت خدا یا مردم، تعامل مطلق یا هوشمندانه، رفاه یا عدالت اجتماعی، توسعه یا پیشرفت، تقدم رشد مادی یا معنوی، اولویت تخصص یا تعهد و...وجود دارد اما، حکمرانی خوب با مؤلفه های سازنده بیشتری، در مدل حکومت مطلوب دیده می شود که قدمت آن، بیشتر از حکمرانی خوب است از جمله اصل شفافیت، اطلاع رسانی و پاسخگویی است که در حکومت مطلوب یا خوب دینی، ریشه عمیقی دارد از آن رو که، خود را همزمان در مقابل خدا و مردم مسئول می داند و بر آن است که نباید چیزی را از مردم پنهان کرد. این اصل، به تنهایی در مبارزه با فساد توانا است و در این راه، اطلاع رسانی رسانه ای و کشف رایانه ای جرایم که در دولت مجازی میسرتر است را دائما و مستمرا تأیید و تشویق می کند، زیرا خطاب علی(ع) به مالک را پذیرفته است که فرمود:" و اگر گمان بدی در میان مردم درباره تو رفت،

عذر خود را برای آنان، بیان کن و مطالب را برای شان روشن نما تا بدگمانی برای کسی باقی نماند."(نهج البلاغه: خ ۵۳) دولت مجازی و حکمرانی خوب و زیست بوم ایرانی- اسلامی به اشکال مختلف همدیگر را تقویت می کنند: حکمرانی خوب، میل به ظهور پدیده دولت مجازی را، دامن زده است. می دانیم که ایده حکمرانی خوب بر ابداع نظریه دولت مجازی توسط رزکرانس، پیشی دارد. همراهی این دو به نیاز متقابل آن دو، برای حیات سیاسی- اجتماعی شان، مربوط است. حکمرانی خوب در همه صور، چون صورت بومی یا دینی یا باهم، ناگزیر به شفافیت در پرتو رسانه ها و شبکه های مجازی است اما اجازه نمی دهد قبل از اثبات اتهام، متهم بی حیثیت شود.(شیرودی و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۴۲؛ شیرودی، ۱۳۸۴: ۱۶) دولت مجازی با رویکرد اقتصادیِ مورد تأکید رزکرانس، لااقل در بازاریابی و فروش، به قانون گرایی یا اثربخشی محتاج است. امروزه روش‌های کهنه توسعه قدرت و ثروت، مؤثر و کارآ، نیست اما، دولت مجازی بومی- دینی با انتخاب یک استراتژی همه‌جانبه، به‌جای سرمایه‌گذاری صرف برروی ظرفیت تولید، بر روی جلب اعتماد عمومی شهروندان سرمایه‌گذاری می‌کند. دولت مجازی بومی- دینی، همزمان اهداف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را برای افزایش رضایتمندی عمومی در پرتو کاربست فناوری های اطلاعاتی بومی و غیربومی،دنبال می کند.(گام اول) این دولت، دولتی است که قدرت تولید برمبنای زمین را نه قطع بلکه کاهش داده و با برای کسب ثروت اقتصادی، آموزش را در سپهر پرورش، اقتدار عمودی مدیران را در سایه اقتدار افقی شهروندان، تمرکز در درون مرزها را پرتو نگاه به بیرون را از طریق بهره مندی از توانایی های دولت هوشمند، دولت الکترونیک و نظایر آن، دنبال می کند. مثال دیگری از ارتباط حکمرانی خوب، دولت مجازی و بوم زیست ایران می زنم، قسمت عمده‌ای از افکار عمومی در فضای مجازی، شکل می‌گیرد و منتقل می‌شد، بنابراین، برای ایجاد و حفظ امنیت اجتماعی یا ثبات سیاسی و ... توجه جدی دولت مجازی به فضای سایبری، اجتناب ناپذیر است، زیرا از مهم‌ترین دارایی‌های هر کشور و ملتی، افکار عمومی است. قدرت افکار عمومی در امروز و فردایمان با دموکراتیک تر شدن دولت‌ها افزایش پیدا می‌کند. در دولت مجازی یکی از عوامل مهم شکل‌گیری، گسترش، پایش و تغییر افکار عمومی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها هستند که بخش مهمی از ظرفیت حاکمیتی دولت‌ها را در چارچوب حاکمیت فضای مجازی، دربرمی گیرد اما، نباید غافل ماند که محتوا، رویکرد و حجم افکار عمومیِ برساخته از فرهنگ دینی- بومی جامعه ی ایران، نقش تعیین کننده ای ایفا می کند.(جلالی، ۱۳۹۸: شبکه افق صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران)

نتیجه گیری

نویسندگان قادرند نکات زیادی در باکس نتیجه گیری مقاله حاضر، مطرح نمایند اما در اینجا تنها به چند مورد آن که برخی از یافته های درون متنی است و برخی دیگر، تأیید مجدد و مضاعف بر گفته های قبلی است را بدون رتبه بندی یا اولویت بندی بلکه به صورت درهم ریخته برمی شماریم:

۱. دولت مجازی، کم و بیش، مشابه با آنچه را که رزکرانس گفته است، می آید! چه بخواهیم و چه نخواهیم! همان گونه که، سینما آمد! و همانگونه که اینترنت آمد، باید بدانیم وقت تنگ است و نیز، ذاتِ دولت مجازی، همانند سرشت تکنولوژی غربی، فرامرزی است به گونه ای که اگر در درون مرزها بماند، می میرد. این ذات، گاهی عرضی است، از آن رو که با علایقِ استعمار فرانوین، گره می خورد. با چنین دولتی، هم باید مواجهه کرد و هم مفاهمه. البته در مواجهه و در مفاهمه، نباید انفعالی بود و تنها به انتظار آمدن آن نشست، اگر همین الان هم در تعامل و تقابل با دولت مجازی، اقدام کنیم دیر است و فردا دیرتر، زیرا نه تکنولوژی به انتظار ما می ماند و نه حامیان آن!

۲. دولت مجازی رزکرانس، اقتصاد– ارتباط، پایه است ولی این همه ماجرا نیست! هیچ دولتی نمی تواند تک بعدی باشد، البته بهتر است که بگوییم، رزکرانس در دولت مجازی اش به اقتصاد و ارتباطات، اصالت و اولویت می دهد ولی در آن، متوقف نمی ماند، ما هم، باید این گونه، عمل کنیم البته تضادهای رویکردی عمیقی بین انقلاب اسلامی و دولت مجازی رزکرانسی وجود دارد اما تغییر اولویت های رویکردی، یک تصمیم استراتژیک است که بیش از آن که مضر باشد، دارای دستاوردهای مهمی است. دولت مجازی در جمهوری اسلامی، باید به اقتصاد – ارتباطات اصالت دهد اما همه نیازهای یک ایرانی مسلمان را نمی توان و نباید به اقتصاد – ارتباطات گره زد بلکه باید همه نیازهای او را در نظام شبکه ای و همه جانبه قرار داد.

۳. ماهیت انقلاب اسلامی با هیچ یک از دستاوردهای تمدنی غرب، سازگار نیست زیرا یکی از سرشت الهی و دیگری از طبع اومانیستی، تشکیل شده اند که اولی در طول و دومی در عرض قدرت لایزال خداوند، قرار می گیرد، ولی جمهوری اسلامی در مرحله گذار از تمدن ناسیونالیستی– لیبرالیستی به تمدن نوین اسلامی، قرار دارد لذا چاره ای ندارد که در این مرحله، از این دستاوردهای غربی در تراز بومی سازی، استفاده کند اما در نهایت، باید به بوم گرایی کامل، سوق پیدا کند که در آن، هیچ نشانه سیرتی و صورتی از تمدن غرب، وجود ندارد. دولت مجازی به مثابه یک پروسه یا پروژه غربی، از قاعده فوق، مستثنی نیست، تنها چنین چشم اندازی در چارچوب نفی حاکمیتی

متقابل، نجات دهنده ما خواهد بود و این امر، بسیج منابع را در همه سطوح ملی می طلبد.

۴. دین به معنای اسلام و اسلام در مفهومِ ناب محمدی(ص)، بن مایه جمهوری اسلامیِ برآمده از انقلاب اسلامی، است. عدول و عبور از آن به معنای استحاله انقلاب و نظام است اما تغییر اولویت ها در آرمان ها و هدف های انقلابی، خللی به آن در کوتاه یا دراز مدت، وارد نمی کند. ما برای دولت مجازی با مشخصه برخوردار از پتانسیل نرم افزاری لایه سوم یا همان انسانی کردن وجوه خشن دولت مجازی، نیازمند همراه کردن برجسته تر انسانیت به دیانت خاص ایم. نویسندگان همان گونه که پیش از این گفته اند انسانیت را به معنای دین در مفهوم کلی آن، در نظر می گیرند. این اقدام، یک پارادایم شیفتی است که تعلل در آن بحران های جدی تری را رودرروی امروز و فردای کشورمان قرار می دهد.

۵. وجه دیگری از ارتباطات، ارتباطات از جنس ارتباط انسان با انسان نیست بلکه از جنس ارتباطاتِ انسانی است که بیش از دین به مفهوم خاص، برد و نفوذ دارد. این نوع از ارتباطات، ارتباطات مسموم در دولت مجازی متکی به دولت الکترونیک و فضای مجازی را کاهش می دهد. توجه داریم که تن دادن به دولت مجازی و بومی- دینی کردن آن در کوتاه مدت، تنها برای جبران کاهش مشروعیت از دست رفته نظام نیست بلکه تلاش در این زمینه، باید با هدف حفظ موجودیت انقلاب و نظام اندیشیده، طراحی، اجرا و نظارت شود. هسته اصلی آنچه در اینجا روی می دهد، نهادینه کردن ارتباطات افقی یا اجتماعی هوشمند مبتنی بر اصول و قواعد انسانی و بشری است که پله اول در رویکرد به دین در معنای خاص است.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۱). «اخلاق رایانه ای،اصول و قواعد آن از منظر اسلام و مقررات بین المللی»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، شماره ۱۲ و ۱۳، پاییز و زمستان، صص ۷۵– ۹۳.

تقوا،محمدرضا؛ تقوی فرد، محمدتقی؛ معینی، علی و زین الدینی، محمرضا (۱۳۹۶). «مدلی برای دولت هوشمند؛ تبیین ابعاد دولت هوشمند با استفاده از روش فراترکیب»، فصلنامه مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند، شماره۲۱، پاییز، صص ۱۳۱–۱۶۸.

توحیدفام، محمد (۱۳۸۲). دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن، تهران: روزنه.

تولایی،روح اله (۱۳۹۳). «آینده پژوهی، روندهای خدمات فضای مجازی ایران در فرایند تکنولوژیک جهانی شدن با روش دلفی»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، شماره۱۴، زمستان، صص ۹۲– ۱۲۳.

جلیلی، رسول (۱۴۰۰). «باید عذربخواهیم که فضایِ مجازیِ وِل توسعه داده شده است»، ۷ فروردین، tabnak.ir

حسن پور، سودا؛ عشق پور، منصور (۱۳۹۷). «مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق شهروندی در فضای مجازی با تاکید بر حریم خصوصی»، دومین همایش بین المللی فقه و حقوق،وکالت و علوم اجتماعی، صص ۵۲–۷۱.

خاکی، غلامرضا (۱۳۸۱). «راهبرد مجازی سازی دولت؛ مهم ترین جالش پیش روی نظام اداری در برنامه چهارم توسعه»، فصلنامه مدیریت و توسعه، شماره ۵۸، زمستان، صص ۲۳– ۳۶.

دباف، سروش و نظری، ندا (۱۳۸۸). «تبیین مفهوم خوبی درحکمرانی خوب»، فصلنامه مدیریت دولتی، شماره۳، پاییز و زمستان، صص ۳–۱۸.

رحمت الهی، حسین و ضیائی،رضوان (۱۳۹۰). «ظهور دولت های مجازی در عصر جهانی شدن»، فصلنامه حقوق خصوصی، شماره۱، بهار و تابستان، صص ۸۰–۵۳.

رزکرانس، ریچارد (۱۳۸۸). پیدایش دولت های مجازی؛ ثروت و قدرت در قرن آینده، ترجمه بابک خادمی پاشاکی،تهران،پلیکان.

رکابیان، رشید و لکزایی، نجف (۱۳۹۵). «نظریه دولت مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)،" فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۹، صص۱۲۱–۱۴۱.

سردار جلالی (۱۳۹۸). مصاحبه با برنامه جهان آراء شبکه افق صدا و سیمای جمهوری اسلامی، ۱۱ آذر.
سریع القلم، محمود (۱۳۸۱). «مؤلفه های دولت مجازی»، نشریه دنیای اقتصاد، شماره ۱۵، صص ۶-۱۲.
سلیمی، حسین (۱۳۸۴). «دولت مجازی با واقع گرایی تهاجمی؛ بررسی مقایسه ای نظریه ریچارد روزکرنس و جان میرشایمر»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۷،پاییز و زمستان، صص ۴۲-۱۹.
شورای عالی مجازی (۱۳۹۶). «تعریف دولت الکترونیکی»، ۱۲ شهریور، majazi.ir
شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴). «انسان هزاره سوم و ضرورت تبیین اصول تربیتی و اسلامی توسعه نوین»، ماهنامه رواق اندیشه، شماره ۴۱، دی، صص ۱۳-۲۹.
شیرودی، مرتضی و کاظمی، آصف (۱۳۹۰). «نقش رسانه های غرب در برابر گسترش اسلام»، فصلنامه سخن تاریخ، شماره ۱۴، صص ۱۳۷-۱۸۰.
صباغ کرمانی، مجید و باسخا، مهدی (۱۳۸۸). «نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۶، صص ۱۰۹-۱۳۰.
کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات؛ جامعه شبکه ای،ترجمه احدعلی قلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
کانر، استیون (۱۳۸۰). پست مدرنیسم؛ نفی فراروایت ها، به اهتمام حسین علی نوذری، تهران،اطلاعات.
کلانتری، عبدالحسین (۱۴۰۰). مصاحبه با سرپرست پژوهشگاه فضای مجازی، KHAMENEI.IR
مدنی بجستانی، سیدمحسن (۱۳۹۵). «حکمرانی خوب یا حکمرانی مطلوب چیست؟»،۲۲ بهمن، jahanvatani.ir
نائیبان، جلیل؛ مدرس، هاوری و احدی، پرویز (۱۳۹۹). «سازکاروهای حکمرانی خوب در جمهوری ترکیه و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، زمستان، شماره ۳۹، صص ۱۴۷- ۱۷۶.
نصرهرندی، محمدمهدی (۱۳۹۷). «بررسی تاریخی علم اخلاق در فضای مجازی»، majazi.ir
یعقوبی، سعید (۱۳۸۶). سیاست گذاری در دولت مجازی: اقتدار و قدرت ملی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
Roscrance, Richard (1999). the rise of virtual state wealth and power in coming centuary new York basic book.
Roscrance, Richard (1996). the rise of virtual state in foreign affairs.